

### آیین شب چله؛ جشن مهربانی

گاهشماری باستانی ایرانی، تابستان را هفت ماه و زمستان را پنج ماه می‌شمرد و خبری از هفته و فصل‌های چهارگانه با بخش بندی امروزی نبوده ۱۰۰روز که از سرما می‌گذشت برای ورود به روز گرما، جشن می‌گرفتند. اتفاقا دی ماه که می‌دانید نام خداست و نخستین روز آن را «خرم‌روز» می‌گفتند (هر روز در گاهشماری ایرانی یک نام دارد) و جشن چله که اکنون برگزاری شبانه است در گذشته‌ها، روزها برگزار می‌شد.

بسیاری داده‌های تاریخی و گزارش‌های بنیادین درباره ریشه برپایی جشن شب چله به همان جشن سده کهن برمی‌گردد. در اسناد پژوهشی تاریخی از هفت بنیاد و هفت پدیدآورنده برای جشن سده کهن یاد شده. (پادآوری: صد/سد وازه فارسی است و در راستای غلط مصطلح با صاد نوشته شده و می‌شود) فردوسی پاک‌زاد از هوشنگ صد بار همراهی سخن گفته که در بیابان برای ماری سنگی می‌افکند و آذر برمی‌چهد و همراهی این صدنفر در مهار آتش، جشن سده را بنیام کرده. جشن سده در سندی دیگر به صد فرزند پسر «کیومرث» نسبت شده که برای جشن «گشتی» یا همان بلوغ پسرانش جشن بزرگی برپا کرده.

اسناد دوران ساسانی که برای من جالب‌تر است، سندی این برپایی سده را به خود اردشیر بابکان (بابکان) نسبت داده و سندی دیگر آن را به مادر اردشیر یعنی روتک/رودک منتسب دانسته اما زو پسر ته‌ماسپ (دیربه ته‌ماسپ با طا درست نیست) که حافظ هم یاد ی از زو در غزلش داشته. بنا به روایتی با شکست دادن افراسیاب و پس راندن او به توران، برپایی جشنی سراسری را در ایران باعث شد که همان سده کهن یا بنیاد جشن چله است. می‌بینیم که اتفاق نظری در این باره یعنی پدیدآورنده چله به‌دست نداریم.

اکنون ببینیم چله از کجا بنیاد شده است. وقتی حافظ می‌فرماید: «صحبت حکام، ظلمت شب یلداست»، اگر چنین است که صحبت حکام بسکه اهریمن مایه است و تیره‌دلی می‌آورد به شب یلدا از شدت ظلمانی بودنش شبیه شده که چنین شبی ظلمانی و تاریک هرگز «جشن گرفتن» ندارد. درباره به‌وجود آمدن چله احتمال دارد که ایرانیان خردمند براساس انگاره‌های کهن در دوران اسلامی همین شب را نشان‌کرده‌اند. زیرا در غروب این روز است که پایان کار سالانه بوده و برای سه ماه به استراحت می‌پرداختند و باغداری و کشاورزی تعطیل می‌شده و در نتیجه در جوامع یکجانشین ما این جشن مهم می‌شود.

بسیاری از صاحب‌نظران و مردم‌شناسان تاکید دارند در فرهنگ رزینیابین ایران برپایه «مضامین انس»، این چنین مراسمی را انسان‌مدارانه تلقی می‌کردند. مثلا می‌گوییم: نه سرما، عموچله، عمو نوروز همچنین «چله زری» و دیگر نام‌های زیبایی که برای شب چله نهاده‌اند. مهم‌ترین نکته در این آیین، گردآمدن در خانه بزرگ‌ترهاست. این که چرا چنین به گرد بزرگان و پیران می‌گردیدند، دلیل زیبایی دارد. زیرا تاریخ پنهان و کهنی را در ذهن‌شان می‌زیند و مرور می‌کنند و به‌گونه‌ای افتخار کردن به خرد گذشتگان در این امر و آیین نمود دارد. زیرا ما ملتی هستیم که دوست داریم و سزاوار می‌دانیم در خرد گذشتگان و بزرگان مان شراکت کنیم و با فرزانیگی نیاکان مان شریک باشیم و این مهم را در طول سده‌های اسلامی با رنگ‌های مألوف و پسنده‌ده اندیشه‌ها و باورهای دینی و اسلامی با شیوه و شکلی زیبا آمیخته کردند. یادمان باشد که در این جشن، مهرورزی و مهربانی‌کردن و مهر به نیاکان و یاسداشت بزرگان و... بسیاری مفاهیم و ابعاد بلند این جشن با داده‌های قرآنی و آموزه‌های مذهبی و دینی همپوشانی و همگرایی دارد. اهمیت این شب چله بیش از هر چیز در این مؤلفه نمایان است که از دل و جان مردم برآمده است. به عبارتی یک تمدن مردمی و باورمدارانه باعث شده چنین جشن مهمی پدید بیاید و شکل بگیرد.

#### خبر

سعید بیابانکی، شاعر:

### فرهنگ گفت‌وگوی شفاهی رادر شب یلدا۱۱حیاکنیم

سعید بیابانکی، شاعر کشورمان که مجموعه شعری هم با عنوان «یلدا» در کارنامه کاری خود دارد، در آستانه فرارسیدن شب یلدا درباره این مجموعه شعر گفت: دخترم در شب یلدا به دنیا آمده و نام او را هم «یلدا» گذاشته‌ام و این مجموعه هم به نام دخترم است. بیت عاشقانه «بمان که فلسفه این شب دراز این است/ که یک دقیقه تو را بیشتر نگاه کنم» با مضمون شب یلدا

سروده‌ام که در پایان این مجموعه هم قرار دارد. این مجموعه شعر در شمارگان ۲۵۰۰ نسخه در ۱۲۸ صفحه را انتشارات سوره مهر منتشر کرده‌است. بیابانکی درباره شب یلدا توضیح داد: از روز اول دی ماه یک دقیقه به نور خورشید اضافه می‌شود و این کشاورزان را خوشحال می‌کرد و به همین دلیل هم این شب را به عنوان شب نور و میلاد خورشید جشن می‌گرفتند.

گفت‌وگوی اختصاصی «جام جم» با علی نصیریان، بازیگر

# دوره‌می شب چله برای دلگرمی و آرامش است

مسأله مهمی است، زیرا با وجود مشکلات بسیار، مردم مانیا ز دارند دورهم جمع شوند تا به یکدیگر دلگرمی و آرامش دهند، زیرا این جمع شدن و تسلی خاطر دادن می‌تواند به ما کمک کند تا از این روزهای سخت عبور کنیم. فکر می‌کنم نیاکان ما هم با ترویج چنین مراسمی و با شعر خواندن، قصه گفتن و به حافظ پناه بردن تلاش می‌کردند چنین آرامشی را بین مردم ترویج دهند.

به نظرم باید در این شب‌های آیینی گرده‌م جمع شویم و البته در این روزهای سخت پرهیزکنیم از گستردن سفره‌های رنگارنگ، زیرا منظور از شب چله، دور هم بودن است. یادم می‌آید در قدیم خانواده‌ها دور هم جمع می‌شدند و با هرآنچه داشتند از هم پذیرایی می‌کردند. من هم در این فرصت برای همه مردم ایران درود می‌فرستم و برای همه سلامتی و سرافرازی طلب می‌کنم و امیدوارم در این شب که دور هم جمع شدیم برای این‌که کوچک‌ترها یاد بگیرند و با سنت‌های ایرانی بیشتر آشنا شوند حتما حافظ بخوانیم تا بچه‌ها و نسل آینده بیشتر با شعر و کتاب مانوس شوند.

شب یلدا مراسم اسطوره‌ای و ملی ایرانی است؛ همان‌گونه که ایرانیان روزهای بسیاری را در طول سال جشن می‌گرفتند و آیین‌های مختلفی داشتند در شب چله هم دور هم جمع می‌شدند تا به باور ایرانی، تولد خورشید و مهر را که پس از طولانی‌ترین شب سال است، جشن بگیرند. اما مهم‌ترین موضوع در شب یلدا، دورهمی‌های است که شکل می‌گیرد و نشان از همبستگی، حمایت و کمک به یکدیگر دارد. این دورهمی‌ها برای تسلی و دلداری همدیگر است تا در کنار هم شادی و نشاط داشته باشیم. مهم‌ترین بخش آن هم این است که کوچک‌ترها دور بزرگ‌ترها جمع می‌شدند، یعنی بزرگ‌ترها همان‌طور که در روحیه ایرانی به‌عنوان برکت خانه هستند، فرزندان و نوادگان پیش آنها می‌رفتند تا در این شب اسطوره‌ای، احترام به بزرگ‌تر و عبور از این شب طولانی را با هم جشن بگیرند.

خوشبختانه مردم ایران هنوز آیین‌های باستانی خود را جشن می‌گیرند و الا ن هم در مراسمی مثل شب یلدا و نوروز گرده‌م جمع می‌شوند و جشن می‌گیرند. این

در این شب خانواده‌ها تا پاسی از شب، کنار یکدیگر بیدار می‌مانند.

بیابانکی ادامه داد: خوب است که فرهنگ شفاهی و گفت‌وگو در این شب احیا شود، چون بخش زیادی از جهان مجازی و پناه بردن به این جهان، از تنهایی انسان‌هاست. کسی نیست که با او درد دل کنیم، عشق بورزیم و متأسفانه به شخصی اعتماد می‌کنیم که نمی‌بینیم.



شمسی فضل‌اللهی در گفت و گو با «جام جم»:

# یلدای ساده را برای افزایش صله رحم احیا کنیم

#### نوید سختی و آسانی در فال حافظ

حافظ هم سر سفره هفت سین نوروز و هم یلداست و این از گذشته رسم بوده است. دلیل این حافظ خوانی به نظرم این است که معمولاً حافظ در غزل‌هایش وقتی صحبت از سختی و جداسدن از یار می‌کند، در پایان مخاطب شعرش را با مرده آسان‌شدن کارها و وصال امیدوار می‌نماید. درواقع او در شعرهایش به گونه‌ای ما را متوجه می‌کند که درون این زندگی همه چیز، سختی و آسانی، وجود دارد و نباید مشکلات را جدی بگیریم و خود ما هم می‌توانیم با یاری خدا کارهایی انجام دهیم. همیشه خداوند تنها یاری محسوب می‌شود که ما را ترک نمی‌کند و باید از او کمک بگیریم. البته مولوی هم در اشعارش می‌گوید خداوند به قدری به ما کمک می‌کند که برای ما مطلوب است، چون گاهی از او چیزهایی می‌خواهیم که به صلاح‌مان نیست. درون حافظ خوانی نوعی امید و شادی است و این گذران روزهای یکنواخت و شبیه به هم سال را برای ما آسان و زیبا می‌کند و باید قدرش را بدانیم. بالاخره باید یک روز متفاوت از دیگر روزهای سالی که پر از کار و نگرانی بوده، باشد و یلدا هم جزو روزهای شادی ماست. مهم آن است که از تمام این روزها سود اخلاقی و معنوی ببریم تا بتوانیم بهتر زندگی کنیم.

#### دل‌زنده‌داری در این روزهای سخت

ما داریم در آخرین روز فصل پاییز با هم حرف می‌زنیم. شب چله تمام علایق به جهان و زندگی را در خودش دارد. در این روزها اگر دل مرده هم که باشی در شب دل‌زنده می‌شوی. من این شب را با غزلیات مولانا و حافظ سپری می‌کنم. چند سالی هم هست که من به همراه یک گروه ۵،۶ نفره، حافظ و فردوسی می‌خوانم. زمانی که خوانش اشعار فردوسی را آغاز کردیم، خیلی هاراضی نبودند و می‌گفتند که سخت است، برای مان تعریف کنید؛ اما ما روی کارمان اصرار داشتیم چون می‌خواهیم که خانم‌ها بتوانند فردوسی را بخوانند. کلا خودم هم خیلی کتاب می‌خوانم. در سال‌های اخیر حس می‌کنم خداوند بر من فرشتگانی گذاشته که هر کجا گیر می‌کنم، یک فرشته‌ای می‌آید و نجاتم می‌دهد. البته این فرشته یک انرژی عالی و خوب است که به کمکم می‌آید.

هزاران سال است که مردم به خاطر یک دقیقه اضافه‌تر و شروع تولد نور و روشنائی، بلندتر شدن روزها در فصل زمستان، و بارش برف و باران جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند. ما چند عید برای شادی داریم که یکی از آنها شب یلداست. یلدا شبی است که مهر(خورشید) به دنیا آمد و خود وازه یلدا هم به سربانی به معنای زایش و تولد است. مهر، نماد راست‌گویی است و پشت سرش خرافاتی بود که مهر، جهان را پدید آورده؛ در صورتی‌که تمام این جهان و کره خاکی را خداوند خلق کرده و از همان ابتدا وجود داشتند. همچنین بعد از شب یلدا، شب چهارشنبه‌سوری و نوروز می‌رسد که متأسفانه سنت‌های چهارشنبه‌سوری قدیمی از بین رفته و تفرقه جایش را گرفته. یادم می‌آید مادرم می‌گفت تمام ظرف‌هایی که شکستگی دارد را در آتش پریم تا ظرف‌های جدید جای آن را بگیرد و این‌ها احساسات خوبی برای ما داشت. در گذشته که تعداد خانه‌های حیات را بیشتر بود، جشن‌های سنتی به‌ما خیلی خوش می‌گذشت. در گذشته، خانواده‌ها فامیل کنار هم جمع می‌شدیم و غذاهای سنتی ساده و معمولی طبخ می‌شد. متأسفانه الان به‌گونه‌ای شده که نه می‌توانیم به خانه‌شان برویم و نه دعوت‌شان کنیم. مثل این‌که واقعا پخت یک نوع غذا از سفره ایرانیان رفته است. به عنوان مثال، قرمه‌سبزی به تنهایی می‌تواند یک مهمانی را نمایندگی کند و نیاز به غذای دیگری نیست. هر جایی می‌روم و این ضیافت تجملی را می‌بینم، در مورد چرایی آن سؤال می‌پرسم؛ چون اگر ساده نباشد، دیگر نمی‌توانیم رفت‌وآمد کنیم. بالاخره این شب هم با غذای ساده‌ای مثل پلو و آش می‌گذرد. وقتی بچه بودم، از دیدن میوه‌های مختلف و کنار هم بودن فامیل لذت می‌بردم و واقعاً هم شب یلدا چیزی جز این نیست که بگویند و بخندند و آجیل بخورند. راه‌یاد کردن تجمل به سفره‌ها فقط مختص یلدا نیست بلکه به مراسم دیگری مثل سالگرد تولد هم راه پیدا کرده است.



#### قاب

### دل شیدا از شهرام ناظری

یکی دیگر از تصنیف‌های قدیمی، جذاب و دلنشین اما ماندگار شب یلدا «دل شیدا» یا «شیشه می‌در شب یلدا شکست» است که بیش از صد سال قدمت دارد و آن را تصنیف‌ساز مشهور دوران قاجار علی اکبر شیدا با تلفیقی از اشعار باباطاهر و عبدالرحمن جامی ساخت. از دلایل ماندگاری این تصنیف این بود که علی اکبر شیدا برخلاف هم‌مسلمان خود، موسیقی را در محافل عارفانه محدود ساخت و آن را با حضور در مجالس عموم و در سبک ضربی تصنیف‌های مردم‌پسند که رایج بود، پیوند زد. یکی از مشهورترین بازخوانی‌ها از این تصنیف را شهرام ناظری خوانده است. او در سال ۶۷ این تصنیف را که در آلبومی با همین نام در سال ۱۳۷۱ منتشر شد، با آهنگسازی فرامرز پایور در دستگاه اصفهان خواند. از غم عشقت دل شیدا شکست /شیشه می‌در شب یلدا شکست/ از پس که زدم ریگ بیابان به کف/ خار میغلان همه در پا شکست/ ما همه چشیم و تو نوری صنم/ چشم بد از روی تو دورای صنم



کیوانکد را اسکن کنید

#### آلبوم

### «یلدا»ی محمد معتمدی

محمد معتمدی از چهره‌های صاحب‌نام موسیقی سنتی است. او فراگیری آواز و نواختن ساز نی را به‌صورت خودآموز و از نوجوانی آغاز کرد و فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی از دانشگاه صداوسیما ایران است. معتمدی در سال ۲۰۱۳ از سوی رادیو بین‌المللی فرانسه به‌عنوان خواننده منتخب در رشته موسیقی ملل معرفی شد.

او در سال ۹۹ «تهران عاشق» را به بهانه فرار رسیدن شب یلدا به آهنگسازی محمد رضا چراغعلی در دسترس مخاطبان قرار داد. «پسنا آخر»، «تهران عاشق»، «می‌نویسم عشق»، «با من بمان»، «سراب»، «ایران»، «بی‌خاطره»، «پریشانی» و «گل‌سنگ» اسامی قطعاتی است که در آلبوم شب یلدایی پیش‌روی مخاطبان قرار گرفته است. معتمدی همچنین این قطعه یلدا را به‌صورت رایگان روی اینترنت منتشر کرده است. سازبندی سنتی و تحریرهای محمد معتمدی، یلدا را تبدیل به قطعه‌ای دلنشین کرده است که می‌توان آن را با هاگوش داد. در حقیقت باگوش فرادادن به این قطعه دلنشین، حال و هوای یک یلدای سنتی را کنار خانواده داشت.



کیوانکد را اسکن کنید

#### نوا

### مثل یلدای‌های قبل

رضا صادقی درباره یلدا آهنگ خاص دارد؛ آهنگ‌هایی که هم از یک سو در این زمینه جلودار و هم به واسطه حس غمی که در آتش‌ر دیده می‌شود، متمایز می‌کند. شب یلدا، آره یا نه، مثل یلداهای قبلی و... از جمله آثاری است که رضا صادقی برای این شب خوانده است.

قاعداً می‌شود به کسانی که در شب یلدا دوست دارند آهنگ‌های غمگین بشنوند، این آهنگ رضا صادقی را به آنها پیشنهاد کرد. قطعه «مثل یلداهای قبل» را با این مطلع برای شما به یادگار می‌گذاریم؛ میشنیم برات انار دون می‌کنم/ اونقدر ابریه آسمون من دم به دم هوای بارون می‌کنم

هنوز به نیت داشتن تو شب یلدا فال حافظ می‌گیرم من یک مردم که به وقتایی فقط زنده می‌شم که به عشق میمیرم امشب می‌گذره از کنار من م‌ث آب از سر روزگار من ورقه زمونه برگشته ولی برنگشتی دل بی قرار من



کیوانکد را اسکن کنید